

نقد مدعای گیسون در تغییر قبله از پترا به کعبه با استناد به آیات قرآن*

سیدمحسن خلیلی نژاد^۱

جعفر نکونام^۲

چکیده

دن گیسون با استناد به مباحث باستان‌شناختی، تاریخی و ادبیات پیشا اسلامی و مقایسه آن با ادبیات پسا اسلامی سعی دارد نشان دهد که قبله مسلمانان، پترا - مکانی در شمال غرب عربستان - بوده است و پس از درگیری‌های ابن زبیر با حکام دمشق، کعبه در مکه به عنوان قبله اسلام، معرفی می‌شود. دانشمندان اسلامی نیز پس از جنگ و نابودی منابع اولیه، شروع به بازنویسی تاریخ صدر اسلام می‌کنند. تاکنون آرای گیسون به‌طور خاص مورد ارزیابی پژوهشگران واقع نشده است. نقدهای مشترکی هم که در مورد نظریه هاجریسم و خاستگاه اسلام از دیدگاه دیگر خاورشناسان انجام گرفته، در زمینه روش تحقیق آنان است، نه محتوای شواهدی که بر مدعای خود مطرح کرده‌اند. از این رو، بررسی محتوایی شواهد گیسون مهم تلقی می‌شود. این مقاله به نقد مهم‌ترین استنادات گیسون در کتاب جغرافیای قرآنی وی می‌پردازد. مرکزیت «شهر مقدس»، جغرافیا و روابط تجاری آن، مهم‌ترین دلایلی است که وی برای مدعای خود عرضه کرده است. مقاله حاضر نشان می‌دهد که مدعای وی با داده‌های جغرافیایی، تاریخی و آیات قرآن سازگاری ندارد. واژگان کلیدی: مکه، پترا، شهر مقدس، تغییر خاستگاه اسلام.

* دریافت: ۹۷/۱۱/۲۳ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۲ (مقاله پژوهشی).

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه قم (نویسنده مسئول) / m.khalilinezhad@stu.qom.ac.ir

۲. دانشیار دانشگاه قم / j.nekoonam@gmail.com

۱- مقدمه

دن گیسون، (Dan Gibson) پژوهشگر کانادایی، خود را در وبسایت آکادمیا^۱ چنین معرفی می‌کند: «علاقه من در ابتدا مطالعه تاریخ اقتصاد باستان، بویژه در مورد اعراب و نبطی‌ها از سال ۳۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ میلادی بود... در مورد بازسازی تاریخ شبه‌جزیره عربستان یک شکاف میان تاریخ باستان عربستان تا ظهور اسلام و تاریخ اسلامی شناسایی کردم. بیش از ده سال است که برای تکمیل این معما، راه‌های مختلف را آزمایش کرده‌ام. در سال ۲۰۱۰ کتاب جغرافیای قرآنی را به عنوان یک راه حل نوشتم. با گذشت زمان تحقیق خود را بر پایه جزییاتی که در کتاب بیان شده است، ادامه می‌دهم»^۲.

گیسون می‌پندارد، تاریخ اسلامی پس از بعثت حضرت محمد (ص) چیزی غیر از تاریخ پیش از اسلام عربستان را نمایان می‌سازد (Gibson, 2011, p1). وی برای اثبات ادعای خود، نظریه مهگرایه را که پیش از وی مطرح شده بود، با دلایل باستان‌شناختی و غیر از آن دوباره مطرح می‌کند. این همان نظریه پاتریشیا کرونه و کوک (Crone & Cock) است که طی آن، هاجریان با مسلمانان یکسان دانسته می‌شود. آنان مدعی شده‌اند که منابع غیر اسلامی از مسلمانان به عنوان «هاگرایه» یا «مهگرایه» یاد کرده‌اند. آنان از آنجایی که قدیمی‌ترین منبعی که از «اسلام» یاد می‌کند، مربوط به سال ۶۹ هجری است، نتیجه می‌گیرند که نام‌های اسلام و مسلمانان در دوره حیات پیامبر (ص) وجود نداشته است (رک: کریم‌پور، ۱۳۹۶، ۷۷۱-۷۷۴).

به نظر می‌رسد، خاستگاه آن نظریه این بوده که منطقه بین‌النهرین، مرکز مهم‌ترین تمدن و فرهنگ بوده و مردم حجاز از فرهنگ و تمدن این منطقه بسیار تأثیر پذیرفته‌اند. به همین روی، مردم حجاز بسیاری از آیین‌ها و سنت‌ها نظیر بت‌پرستی و ستاره‌پرستی را از همین منطقه اقتباس کرده‌اند (جوادعلی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۲۲۷). نیز نبطی‌ها از رهگذر سفرهای گسترده به منطقه بین‌النهرین از معماری آن‌ها الگو گرفته‌اند (Gibson, 2011, p166). به همین رو، فرهنگ نبطی‌ها نسبت به فرهنگ مردم حجاز، به دلیل بهره‌مندی از اقتصاد و ارتباطات گسترده‌تر، فرهنگ غالب^۳ به حساب می‌آمد و اعراب ربع خالی عربستان هم از نبطی‌ها تأثیر پذیرفته‌اند (نک: فکوهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۰).

این ارتباط فرهنگی میان بین‌النهرین و حجاز باعث شده است که برخی از خاورشناسان از جمله گیسون، ادعای تغییر قبله از این منطقه را مطرح کنند. گیسون با استناد به سفر پیدایش در کتاب مقدس قصد دارد تا نشان دهد، هر دوازده قبیله از نوادگان حضرت اسماعیل (ع) در

1 . www.academia.edu.

2 . https://independent.academia.edu/DanGibson1.

3 . Dominant Culture.

شمال عربستان ساکن شدند که بعدها امپراطوری نبطیان را به وجود آوردند (ibid, p21-23). بنابراین، وی معتقد است، پترا برای نوادگان حضرت اسماعیل مقدس بوده است. وی مدعی است: «پترا شهر مقدسی در شمال حجاز واقع بوده و مرکز عبادی به شمار می آمده و گرچه در سده نخست، قبله مسلمانان بود، اما پس از درگیری های ابن زبیر با حکام دمشق، کعبه در مکه تجدید بنا شد و قبله از پترا به آن انتقال یافت» (Gibson, 2011, p296-297).

گفتنی است که گیبسون طی حدود سی سال مسافرت به شبه جزیره عربستان و اردن برای بررسی مؤلفه های مختلف «شهر مقدس» اسلام و قبله مساجد اولیه مسلمین، نتیجه تحقیقات خود را در کتاب جغرافیای قرآنی^۱ مطرح کرد. وی علاوه بر این، به سایر بلاد اسلامی و حتی غیر اسلامی نظیر چین برای پی بردن به قبله نخستین مساجد مسلمین مسافرت کرد. به ادعای وی، شهر مقدس اسلام، با آنچه از مکه امروزی می شناسیم، هماهنگی ندارد. شک وی در این مورد ناشی از عدم تطابق تاریخ نبطی ها در شمال غرب عربستان با تاریخ اسلامی است که بعدها پدید آمد. در واقع، وی بر این عقیده است که با توجه به شرایط تاریخی پترا، اسلام نخستین در این منطقه پیدا شده و سپس، قبله مسلمین با شورش ابن زبیر به مکه تغییر کرده است (ibid, p371).

وی تاریخ اسلامی را نتیجه بازنویسی می داند که پس از نابودی منابع و کتب اولیه تاریخ صدر اسلام به رشته تحریر درآمده است (ibid, p348). روش استناددهی وی، در اندک مواردی، استفاده از داده های درون دینی مانند ویژگی های جغرافیایی مورد ادعای «شهر مقدس» در قرآن و مقایسه آن ها با وضع آب و هوایی مکه است. گاهی به کتاب مقدس هم استناد می کند تا ثابت کند، ابراهیم (ع) هیچ گاه به مکه سفر نکرد.

در این مقاله، با توجه به قرائن قرآنی به عنوان متنی تاریخی که قدمت قدیمی ترین نسخه آن به سال ۲۴ هجری یعنی قرن اول می رسد (Sinai, 2014, p12)، نشان خواهیم داد که آرای گیبسون در مورد شهر مقدس با داده ها و اطلاعات قرآنی همسانی ندارد. گفتنی است که برخی محققین تنها منبع معتبر متن برای مطالعه تاریخ ظهور اسلام را قرآن معرفی می کنند (Crone, 2005, p387).

1. Quranic Geography, 2011, Independent Scholars Press, Canada.

۲- پیشینه تحقیق

پنهان نماند که قبل از گیسون، پاتریشیا کرون^۱ و مایکل کوک^۲ با ارائه نظریه «هاجریسیم»^۳ (۱۹۷۷) در کتابی با همین عنوان، تغییر قبله اسلام از «پترا» به مکه را مطرح کرده بودند (کریم پور و راد، ۱۳۹۶، ص ۷۷۰). کرون در کتاب «تجارت مکه و ظهور اسلام»^۴ (۱۹۸۷) به طور خاص به ردّ نظریه تأثیرگذاری تجارت بر ظهور اسلام در مکه پرداخته است. تفاوتی که تحقیق حاضر با تحقیقات قبلی دارد، این است که در آنها چندان به نقد شواهد چنین مدعایی پرداخته نشده است. نقدهایی که تاکنون به زبان فارسی به صاحبان نظریه «تغییر قبله از پترا به کعبه» وارد شده است، عبارت‌اند از: «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب "تجارت مکه و ظهور اسلام"» از احمدرضا خضری و مائده بایرام (۱۳۹۵)، «فرضیه خاستگاه هاجری اسلام؛ تحلیل و نقد» از سعید کریم‌پور و علی راد (۱۳۹۶)، و «نقد و بررسی آراء تجدید نظرطلبانه پاتریشیا کرون در زمینه مطالعات اسلامی» از سپیده رستمی و همکاران (۱۳۹۶).

علاوه بر این، نقدهای قابل توجهی به زبان‌های عربی و انگلیسی نیز انجام و ارائه شده است. از آن جمله می‌توان به «اسلام پترا، پاسخی به دن گیسون»^۵ از احمد امینه (۲۰۱۹)، «اولین قبله‌های اسلامی»^۶ از دیوید کینگ (۲۰۱۸)، «بررسی تجارت مکه و ظهور اسلام پاتریشیا کرون»^۷ از هیو کندی (۱۹۹۸)، «هاجریسیم، ساخت جهان اسلام»^۸ از مایکل جی مورونی (۱۹۸۲)، «تجارت مکه و ظهور اسلام»^۹ از اری روبین (۱۹۹۰)، نام برد. اری روبین با دیدی انتقادی و با استناد به آیات قرآن به ابطال نظریه کرون در بحث تجارت مکه پرداخته است (Rubin, 1990, p.426-427). برخی دیگر منابع مذکور بر بحث تجارت مکه تأکید داشته و برخی دیگر به بحث جهت قبله‌های اولیه مسلمانان پرداخته‌اند.

1. Patricia Crone
2. Michael cook
3. Crone, Patricia & cook, Micheal (1977). Hagarism: Making the Islamic world, Cambridge, Cambridge university press.
4. Meccan Trade and the Rise of Islam.
5. Amine, A. (2019). L'islam de Pétra, Réponse à Dan Gibson II Ed. L'Islam De Pétra, Réponse à La Thèse De Dan Gibson Présentation 2e Edition, v1, p280.
6. King, D. A. (2018). Dan Gibson, Early Islamic Qiblas: A Survey of mosques built between 1AH/622 CE and 263 AH/876 CE (with maps, charts and photographs), 296 pp., Vancouver BC: Independent Scholars Press, 2017. *Suhayl. International Journal for the History of the Exact and Natural Sciences in Islamic Civilisation*, p347-366.
7. Meccan trade and the rise of islam by patricia crone
8. Hagarism: The Making Of The Islamic World By Patricia Crone; Michael Cook
9. Meccan Trade and Qur'ānic Exegesis (Qur'ān 2: 198)

آنچه مقاله حاضر را از مقالات مذکور متمایز می‌سازد، تمرکز بر روی نظریه گیسون در این زمینه است. در این مقاله همخوانی داده‌های جغرافیایی و تاریخی با ادبیات قرآنی و نیز منابع اسلامی مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۳- ادله گیسون بر قبله بودن پترا

مهم‌ترین دلایل گیسون بر قبله بودن پترا عبارت است از: ۱) أم‌القری بودن پترا و تناسب آن با قبله، ۲) محل زیارت بودن پترا و مناسب بودن آن با قبله، ۳) محل تجارت بودن پترا و مقتضی بودن آن برای قبله، ۴) موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی پترا و انطباق آن با محل قبله، ۵) حمله اصحاب فیل و انطباق آن با جغرافیای پترا، ۶) جهت قبله‌های مساجد اولیه اسلام به سمت پترا، که اینک به بررسی و نقد آنها پرداخته می‌شود.

۳-۱- أم‌القری بودن پترا و تناسب آن با قبله

به ادعای گیسون «شهر مقدس» اسلام مرکز توجه مردمان عرب پیش از اسلام و صدر اسلام بوده است. دلیل قرآنی وی هم اصطلاح «أم‌القری» برای آن است. علاوه بر آن، «شهر مقدس» محل تجمع زواری نواحی مختلف حجاز باستان نیز بوده است. ادبیات سال‌های آغازین اسلام حاکی از این است که «شهر مقدس» مادر همه شهرهاست چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾ (انعام: ۶ / ۹۲ / Gibson, 2011, p222). بنابراین تصویر وی از مکه شهری با حصار، خانه‌ها، باغها، مکانهای عمومی و معابد است. (ibid, 223) بنابراین استدلال وی مبنی بر توصیف قرآن از مکه با عنوان شهری متمدن مخدوش می‌نماید، زیرا آثار تمدنی قبل از اسلام مکه بسیار اندک است؛^۱ علاوه بر این که شواهد چندی نشان می‌دهد که مراد از «أم‌القری» در این آیه همان شهر مکه است.

نخست، اینکه قرآن از قول ابراهیم (ع) می‌گوید: ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾ (ابراهیم: ۱۴ / ۳۷) همان‌طور که پیداست، ابراهیم (ع) هنگام ورود به «شهر مقدس» آن را سرزمینی بی‌کشت و بی‌آب و علف وصف می‌کند که منطبق با شرایط و آب و

۱. گرچه گیسون در ادامه تحقیق خود به این موضوع اذعان می‌کند (Gibson, 2011, p223) اما مدعای وی در این زمینه آن است که با وجود منابع باستان‌شناختی اندک عربستان تا قرن ۹ میلادی، مکه نمی‌توانسته مرکز اسلام و قبله مسلمین باشد.

هوای مکه است، نه پترا که به گفته خود گیسون سرزمینی آباد بوده است (Gibson, 2011, p232-233).

گیسون شمال غرب عربستان را به سبب آب و هوای مناسب آن منطقه، «شهر مقدس» اسلام معرفی می‌کند (Gibson, 2011, p222-223) و مدعی است که نه حضرت ابراهیم (ع) و نه فرزندان، هیچکدام به مکه نیامده و آنان در همان منطقه پترا باقی مانده‌اند (ibid, p20-23). مستند او این است که در کتاب مقدس، مهاجرت ابراهیم (ع) به همراه خانواده‌اش از اور به حران و از آنجا تنها به کنعان بوده است (پیدایش: ۱۱/۲۸-۳۲). اما این مطلب مانع از پذیرش مهاجرت آنان به منطقه حجاز نمی‌شود و سبب عدم انعکاس آن در کتاب مقدس می‌تواند این باشد که نویسندگان آن عهده‌دار گزارش زیست حضرت ابراهیم و فرزندان او در منطقه خود بوده‌اند.

دوم، این که مکه محلی امن و در نتیجه، مکان تجمع زوآر عرب جاهلی بوده و لذا مرکزیتی نسبی داشته؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِظُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرْتُمْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكِ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلِهَا ظَالِمُونَ﴾ (قصص: ۲۸/۵۷-۵۹).

این آیات نشان می‌دهد، اگرچه ام‌القری یا شهر مقدس بدون کشت بوده است، اما امنیت این شهر و تجمع زوآر عرب در آن باعث شده بود که تجار عرب، محصولات مناطق اطراف (چون طائف و مدینه و سایر شهرهای اطراف آن) را به آنجا وارد کنند و موجب رونق آن دیار شوند (Crone, 2005, p394).

این در حالی است که پترا بعد از آن در سال ۶۳۶ میلادی توسط اعراب از رومیان باز پس گرفته شد، حدود صد سال بعد در سال ۷۴۶-۷۴۸ زلزله‌ای ویرانگر را تجربه کرد که اهلس مجبور به مهاجرت از آنجا شدند (ناعل بن عدوان، ۱۹۷۸/ 277, Gibson, 2011). لشکریان روم در سال ۱۰۵ میلادی نیز سرزمین نبطی‌ها را محاصره کردند و به حکومت آن‌ها پایان دادند. آیه مشابه دیگر آیه ﴿أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يُتَخَفُّ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَ فَيَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ﴾ (عنکبوت: ۲۹/۶۷) است. این آیه نیز شهر مقدس (حرم) را مکانی امن معرفی می‌کند که بر همان مکه منطبق است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، صص ۱۵۰-۱۵۱/ طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۲۲۶).

۳-۲- محل زیارت بودن پترا و مناسب بودن آن برای قبله

گیبسون زیارتی بودن شهر مکه را انکار می‌کند و شهر پترا را زیارتی می‌خواند. وی برای اثبات نظر خود به آیین‌های نبطی‌ها در پترا اشاره می‌کند و این که طبق تاریخ زودیاک، آن‌ها دو بار در سال جشن مخصوصی داشته‌اند و چادرنشین‌های اطراف نیز در آن شرکت می‌کردند (Gibson, 2011, p242) و سعی در ارتباط میان وجود دو حج در اسلام و اصیل بودن آیین‌های نبطی‌ها دارد؛ اما سخن گیبسون به چند دلیل مخدوش است:

دلیل نخست این است که در شبه جزیره عربستان مکان‌های زیارتی دیگری نظیر «بیت اللات» در طائف، «بیت العزی» در مقربه عرفات، «بیت مناة»، «بیت ذی الخلصة» و «بیت نجران» در جاهای دیگر وجود داشته است (جوادیعلی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۳۵۱). وجود مکان‌هایی مقدس در اطراف مکه می‌تواند قرینه‌ای بر اهمیت مذهبی و دینی حجاز باشد. منتها این مکان‌های مقدس پیش از اسلام اهمیت خود را از دست دادند (Neuwirth, 2001, p297-298). اگر بناست، قبله جایی غیر از کعبه در مکه دانسته شود، وجهی ندارد که مکان‌های مقدس همجوار مکه نادیده گرفته شود و پترا که خارج از جزیره العرب بوده است، مورد توجه قرار گیرد.

دلیل دوم، آیه ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيُطَوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۲ / ۲۹) است که به طواف «بیت عتیق» اشاره دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۳۱) درحالی که آیین‌های عبادی در پترا برای باستان‌شناسان با ابهام روبروست (Joukowsky, 2002, p243/ Berenfeld, 2018, p23). علاوه بر آن، ساخت معبد پترا به گونه‌ای نبوده است که امکان طواف آن وجود داشته باشد (Ibid, p236-237)

به علاوه، در آیه ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۲۲ / ۳۳) نیز به بازگشت به آن محل برای قربانی کردن و پایان مراسم حج در کنار آن خانه اشاره می‌کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۱۱۶)؛ اما در مورد پترا نحوه متفاوتی از قربانی گفته شده است. نبطی‌ها قربانگاه‌های خویش را در مکان‌های بلند و مشرف به فضای باز در برابر خدایان ستارگان و گاهی، به صورت خصوصی بنا می‌کردند. آن‌ها در محوطه خارجی و بر فراز منازلشان قربانگاه‌هایی داشتند که به هنگام عبادت خدای دوشارا^۱ و خدای خورشید^۲ به آنجاها می‌رفتند (Almasri, 2018, p71). این در حالی است که مراسم قربانی در مراسم حج در منی در مکه در سرزمینی هموار انجام می‌شود.

1. god Dushara
2. god sun

دلیل سوم بر بطلان نظریه گیبسون، موقعیت مکانی و زندگی حنفاء است. پژوهش‌های باستان‌شناختی و انسان‌شناختی در مورد ساکنان پترا، آنان را نبطی دانسته‌اند، اما از حنیف بودن نبطی‌ها یا ساکنین پترا سخنی به میان نیاورده‌اند (Rothman, 2016, p132-133/ Monferrer-Sala, 2018, p96)؛ بلکه حنفاء را مردمان حجازِ زمان ظهور اسلام به شمار آورده‌اند (Arnason, 2006, p133-134).

این مهم را وقتی در کنار آیات ﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنْ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَىٰ الْقُلُوبِ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج: ۳۱-۳۳) قرار می‌دهیم، روشن می‌شود که «بیت عتیق»ی که حنفاء در مراسم پیش از اسلام شرکت داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۱۷۰)، لاجرم باید در این منطقه باشد، نه خارج از آن.

۳-۳- محل تجارت بودن پترا و مقتضی بودن آن برای قبله

گیبسون بر این نظر است که در منابع مختلف، «شهر مقدس» با عنوان مرکزی برای کاروان‌هایی که برای تجارت به آن‌جا می‌آمدند، ذکر شده (Gibson, 2011, p223)؛ لذا شهر مقدس نقطه مرکزی جاده تجار بوده است، ولی مکه مکانی بی‌آب و علف بوده و مناسب اتراق نبوده است (Crone, 1987, p6-7 / Crone, 1977, p221). اما این سخن به دلایل تاریخی و قرآنی مخدوش است:

نخست، آن که در آیاتی از قرآن سخن از این است که شهر مکه پیش از آمدن حضرت ابراهیم رونقی نداشته و به یمن قدوم ایشان و ساختن خانه کعبه است که رونق می‌یابد و کالاهای تجاری به مکه سرازیر می‌شود: ﴿وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطُّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قصص: ۲۸ / ۵۷-۵۸ و نیز نک. عنکبوت: ۲۹ / ۶۷) و بنابراین، امنیتی که خداوند برای شهر مکه فراهم کرده بود (Crone, 2005, p392) نشان دهنده ظرفیت نسبی مکه برای تجارت است.

عبارت ﴿يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾ نیز به سرازیر شدن محصولات سرزمین‌های دیگر به سمت مکه اشاره دارد؛ اما در مورد شهر مورد ادعای گیبسون این مطلب قابل طرح نیست، چرا که از ابتدا آبادان و سرسبز و خرم بوده است (Gibson, 2011, p232-233). برخی از قرائن^۱ تجارت مردم حجاز ذیلاً مطرح میشود. چنان که آورده‌اند، در اولین هزاره قبل از میلاد، اعراب شتر را اهلی کردند و از آن برای عبور از صحرا استفاده می‌کردند. در همین

۱. لازم است گفته شود که مقصود از قبل از اسلام، از زمان ورود حضرت ابراهیم (ع) به مکه است.

زمان، کشتی‌سازی در خلیج فارس و دریای سرخ همانند مدیترانه رونق گرفت. دریا و خشکی به وسیله ساخت بندر به هم متصل شدند. در حکومت داریوش، پیوند دریای مدیترانه با دریای سرخ و رود نیل ایجاد شد و همو بود که اولین کانال (سوئز) را ایجاد کرد. با کشف روغن مرغوب در کوهستان‌های زاگرس، بین‌النهرین، خلیج فارس و عربستان، ارتباط اقتصادی میان آنها برقرار گردید که طی قرن بیست پیش از میلاد موجب گسترش پیوستگی‌های اجتماعی و تجاری شد و تا چهار هزار سال بعد ادامه داشت (Joukowsky, 2002, p5). بعلاوه، در حدود سال ۵۰ میلادی وجود تجارت دریایی در خاورمیانه که قسمتی از آن از طریق دریای سرخ و خلیج عدن انجام می‌شد، امری پذیرفته شده، نزد مورخین است (ibid, p21). باید توجه داشت که شهر مکه به دلیل نزدیکی به دریای سرخ ظرفیت رشد روابط تجاری را با وجود رونق اقتصادی در دریای سرخ و خلیج فارس را داشته است. همچنین، واردات روغن زیتون از سوریه به مکه نیز در عربستان پیش از اسلام انجام می‌شده است (Crone, 2005, p393-394).

از یک‌سو، آیات قرآن به عنوان سندی تاریخی^۱ نشان می‌دهد که مردم مکه برای گذران زندگی به تجارت می‌پرداختند (Watt, 1953, p1-2) و از سوی دیگر، شواهد تاریخی گویاست که مراکز تجاری اطراف مکه پیش از اسلام اهمیت خود را در برابر حرم مکه هم از حیث تجاری و هم دینی از دست داده بودند (رک. Neuwirth, 2001, p296-298). به سبب درگیری پادشاهان ساسانی از جمله خسرو اول با بیزانس در بین‌النهرین در قرون سوم، چهارم، پنجم و ششم میلادی، مسیر تجاری باقیمانده برای دور زدن راه ابریشم، طریق اقیانوس هند و یمن از غرب عربستان به سمت روم شرقی و سوریه بود. لشکر روم با وجود درگیری با ایرانی‌ها نیازمند چرم فراوانی بودند و اعراب از این فرصت به خوبی بهره بردند (Crone, 2007, p73-74). امنیت این راه تجاری در دو فصل زمستان و تابستان را می‌توان در سوره فیل پی‌جویی کرد (Rubin, 1984, p165)، جایی که ابرهه به قصد براندازی قریش به مکه حمله می‌کند (قزوینی، ۱۹۹۸، ص ۲۱)، اما با حمایت الهی (قریش: ۱۰۶ / ۳-۴) امنیت در سوره فیل پی‌جویی کرد (Rubin, 1984, p165) برای مردم مکه و قبیله قریش فراهم می‌شود (قریش: ۱۰۶ / ۱). این

۱. کرونه (۲۰۰۵) در مقاله 'How did the Quranic pagans make a living?' قرآن را یکی از منابع معتبر تاریخی پیش از اسلام، می‌داند. وی در این باره به تفصیل آیات قرآن مربوط به کشاورزی، سفرهای زمینی و دریایی، تجارت و... مشرکین، را ذکر می‌کند. با این وجود آیات ۱-۴ سوره قریش، مهمترین مستند تاریخی قرآن، از تجارت اهل مکه پیش از اسلام است.

قرائن و دلایل نشان می‌دهد، مکه پیش از اسلام دارای روابطی اقتصادی قابل توجهی با دیگر مناطق بوده است.

۳-۴- موقعیت جغرافیایی و آب و هوایی پترا و انطباق آن با محل قبله

گیسون می‌گوید که مکه امروزی در مکانی مسطح و باز قرار دارد و کوه‌های صخره‌ای کم‌ارتفاع از شن‌های زمینش برآمده است. ارتفاع آن هم از دو سمت به یک اندازه است (Gibson, 2011, p232)؛ حال آن که نقل است که وقتی پیامبر (ص) به شهر خود آمد، از قسمت مرتفع آن وارد شد و از قسمت پست آن خارج گردید (همان، به نقل از: بخاری، ج ۲، ص ۶۴۷) و این درباره پترا صادق است، نه مکه.

اما این استدلال مخدوش است؛ زیرا داده‌های جغرافیایی نشان می‌دهد، کوه‌های اطراف مکه گاهی به بالای ۸۰۰ متر هم می‌رسند. شرق عرفات کوهی به ارتفاع بالای ۱۵۰۰ متر قرار دارد.^۱ این در حالی است که کوه‌های اطراف پترا بیش از این مقدار بلندی ندارند؛ اما اینکه جبال مکه پراکنده هستند و به صورت سلسله‌وار قرار نگرفته‌اند، مانع از این نمی‌شود که مکه را شهری دارای پستی و بلندی ندانیم.

از جمله استنادات گیسون به منابع اسلامی که به عنوان مؤید نظر خویش می‌آورد، عبارت صحیح ترمذی است که از علی بن ابی طالب (ع) آورده است: «موقعی که ما همراه پیامبر (ص) در مکه بودیم؛ نه کوهی بود، نه درختی» (Gibson, 2011, p233). عبارت ترمذی چنین است: «كُنْتُ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ، فَخَرَجْنَا فِي بَعْضِ نَوَاحِيهَا، فَمَا اسْتَقْبَلَهُ جَبَلٌ وَلَا شَجَرٌ إِلَّا وَهُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ» (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۴۱۰).

اما این استشهاد مورد خدشه است؛ زیرا همان‌طور که پیداست، راوی می‌گوید: «از برخی مناطق شهر خارج شدیم در حالی که به کوه و درختی برخورد نکردیم، مگر آنکه به پیامبر (ص) سلام می‌کردند». بنابراین، می‌خواهد بگوید شهر اصلی اسلام دارای کوه و درخت بوده است. وجود بلندی در مورد مکه پر واضح است و در قسمت‌های قبل نیز به آن اشاره شد؛ اما وجود درخت در مکه، هرچند آن را در مقایسه با طائف و مدینه از لحاظ کشاورزی کم‌رونق بدانیم، بی‌اشکال می‌نماید.

گیسون می‌گوید، بارش در مکه حدود ۱۱ سانتی‌متر است که نشان می‌دهد هم مکانی بیابانی بوده، هم قادر به آبیاری زمین به‌طوری که علف و درخت بروید نبوده است (Gibson, 2011, p234) و این با شهر پترا انطباق دارد. اما این سخن مردود است، چون مکه شهری بیابانی صرف

۱. داده‌های جغرافیایی این قسمت از سایت گوگل ارث می‌باشند: <https://b2n.ir/045290>

نیست؛ بلکه کوهستانی است، ولی نه به صورت سلسله جبال. بعلاوه، اندک بودن بارش باران در مکه به تنهایی ثابت نمی‌کند که هیچ‌گونه درخت و گیاهی قابلیت رویش در آن را نداشته باشند. ضمن این‌که بارش شهر پترا نیز حدود ۳۶ میلی‌متر در حداقل اندازه آن و حداکثر میزان بارندگی در آن ۲۱۰ میلی‌متر در سال است.^۱ بنابراین، میانگین بارندگی آن کمی بیش‌تر از مکه است؛ جز اینکه تمدن نبطی‌ها قبل از اسلام در پترا قدرتمند بوده و سیستم آبرسانی پیچیده‌ای داشتند که به آن‌ها در آبرسانی به شهر کمک می‌کرده است (Bellwald, 2008, p315). با این وصف، میزان بارندگی کم مکه دلیل بر عدم وجود درخت در آن نمی‌شود چنانکه سیلاب‌های فصلی در کنار بارش کم در مکه، آب کافی برای درختان مقاوم را فراهم می‌کند (Sulaiman, 2018, Non page).

۳-۵- حمله اصحاب فیل و انطباق آن با جغرافیای پترا

گیسون می‌گوید، داستان حمله ابرهه و هجوم فیل‌ها حاکی از این است که مردم «شهر مقدس»، هنگام حمله آن‌ها می‌توانستند فیل‌ها را از بالای کوه ببینند؛ درحالی‌که در مکه امروزی نزدیک‌ترین صخره‌ها نیم‌کیلومتر از کعبه فاصله دارند، آن‌ها هم با شیبی ملایم تا قله آن. ضمن اینکه، هیچ‌گونه استحکامی در این کوه‌ها دیده نمی‌شود. سایر کوه‌ها سه کیلومتر از مکه فاصله دارند. حال، چطور از این فاصله فیل‌ها قابل رؤیت بوده‌اند؟ (ibid, p226)

اما این استدلال مخدوش است؛ چون فیل‌ها وقتی بر فراز کوه‌های اطراف مکه هم واقع شوند، قابل رؤیت‌اند؛ افزون بر این‌که کوه‌های اطراف پترا، در دو طرف منطقه باستانی آن واقع‌اند و ارتفاع آن‌ها به حدود ۱۱۰۰ متر می‌رسد و این مکان از طرف شمال شرق نیز به بلندی‌هایی به ارتفاع حدود ۹۰۰ متر محدود می‌شود. از طرف جنوب غرب نیز کوه‌هایی به ارتفاع تقریبی ۱۱۰۰ متر در فاصله‌ی ۲۶۲۵ متری آن قرار دارد. دامنه‌های پست کوه‌های اطراف آن به حدود ۴۰۰ متر می‌رسند. در نتیجه، لشکری از فیل‌ها برای رسیدن به دره پترا بایستی مسیرهای مرتفعی را در اطراف آن طی می‌کردند. این در حالی است که کوه‌های شهر مکه پراکنده‌اند و حالت رشته کوه ندارند تا لشکر ابرهه برای رسیدن به آن با دشواری خاصی مواجه باشند.^۲ از این گذشته، سپاه ابرهه از حبشه به سمت مکه حرکت کردند (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۳۶) و حرکت آن‌ها به سمت پترا دور از واقع به نظر می‌رسد.

در روایات تاریخی آمده است که چاه آبی که آب مورد نیاز سپاهیان ابرهه را تأمین می‌کرده، در چاهای «وادی محسر» در نزدیکی مکه وجود داشته است (همان، ج ۲، ص ۱۸۹). گفتنی است

1. <https://b2n.ir/116348>.

2. <https://b2n.ir/056740>; <https://b2n.ir/89764>.

که در زبان عرب، «وادی» به بستر خشکی گفته می‌شود که آب گاه‌گاه بر اثر سیلاب در آن جریان می‌یابد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۸۶۲/اسماعیلی، ۱۳۹۲، ص ۱۸) و این با شرایط آب و هوایی و بارندگی مکه سازگار است، نه شهر پترا که گیسون ادعا دارد.

۳-۶- جهت قبله‌های مساجد اولیه به سمت پترا

گیسون مدعی است، قبله مساجد اولیه به سمت پتراست و این نشان می‌دهد که قبله در ابتدا پترا بوده است (Gibson, 2011, 252-274). اما این استدلال تمام نیست، چون مسلمانان به جهت نداشتن ابزار دقیق جهت‌یابی در ابتدای اسلام دچار مشکل تعیین دقیق قبله بودند. شاهد آن، احادیثی است که از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) در زمینه سهل‌گیری درباره سمت قبله نقل شده است (کریم‌پور، ۱۳۹۶، صص ۷۸۲-۷۸۴/ King, 2018, p352).

گذشته از این، قبله برخی مساجد اولیه نه دقیقاً به سمت پتراست و نه به سمت مکه یا کعبه و این نیز نشان می‌دهد، علم نجوم در ابتدای اسلام چندان پیشرفته نبوده است تا جهت دقیق را کشف کنند. از این رو، قبله برخی مساجد به سمت مابین مکه و پتراست و قبله برخی مساجد نیز به صورت موازی به سمت مکه و پترا قرار دارد. این درحالی است که برخی مساجد اولیه به سمت پترا و برخی به سمت مکه هستند (Gibson, 2019, Non page)!



تصویر شماره (۱): قبله مساجد اولیه

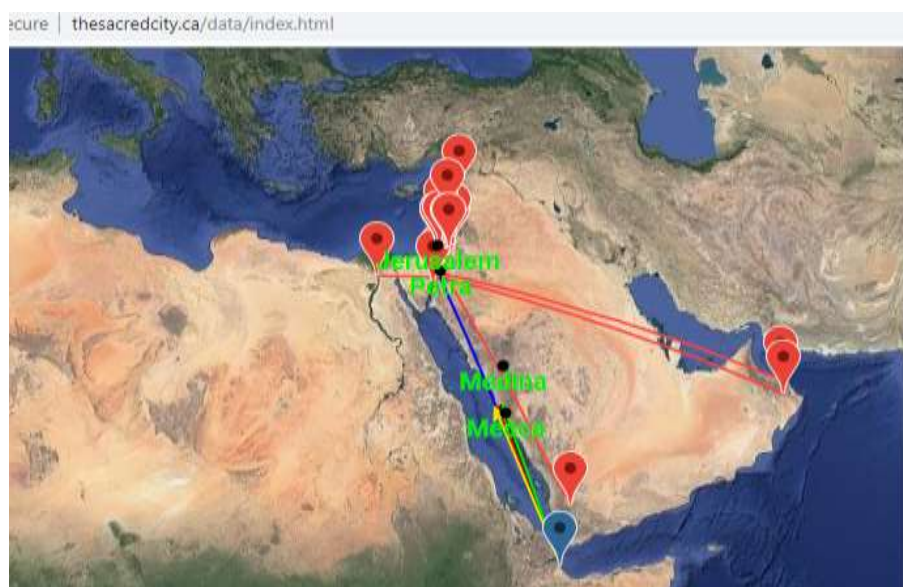
در تصویر بالا که از سایت آقای گیسون گرفته شده است، قابلیت مقایسه جهت‌های قبله مساجد در سال‌های مختلف وجود دارد. این تصویر نشان می‌دهد، از هفتاد قبله مشخص شده، تنها قبله ۱۳ مسجد متعلق به قرن اول هجری به سمت پترا است؛ اما قبله ۱۳ مسجد متعلق به قرن دوم هجری، دقیقاً به سمت مکه قرار دارند و قبله ۳۴ مسجد متعلق به نیمه اول هجری تا

۱. نویسنده مقاله طی مکاتباتی که با آقای گیسون داشته است، از وی پیشنهاد مطالعه وبسایت ایشان، به آدرس

زیر را می‌گیرد: <https://b2n.ir/873490>

نیمه دوم هجری نیز گرچه به گفته گیبسون بین مکه و پترا قرار دارند، اما بیشتر آنها مایل به سمت مکه‌اند. قبله ۹ مسجد نیز که به قرن دوم و سوم هجری متعلق‌اند، در یک امتداد قرار دارند و جهت آن‌ها به سمت جنوب یعنی مکه و قدری مایل به سمت شرق است. جالب این‌که قبله ۹ مسجد، بیش‌تر در قاره آفریقا واقع شده‌اند که دور از عربستان‌اند. قبله یک مسجد متعلق به قرن دوم هجری به سمت بیت‌المقدس واقع شده است.

از این گذشته، مساجد صنعا و ذوقبلتین متعلق به قرن اول هجری در جنوب عربستان با مکه و پترا در یک امتداد قرار دارند؛ لذا کما این که می‌توان قبله آنها را به سمت پترا دانست، می‌توان به سمت مکه هم دانست؛ حتی قبله مسجد ذوقبلتین تمایل به سمت شرق یعنی مکه دارد. در تصویر زیر این مسجد با رنگ آبی مشخص شده است.



تصویر شماره (۲): قبله مساجد صنعا و ذوقبلتین

قرینه‌ای دیگر بر عدم جهت‌یابی دقیق قبله توسط مسلمانان، قبله‌های موازی با مکه و پتراست که اکثراً دور از مکه و در آفریقا واقع شده‌اند. همچنین، قبله‌هایی که به ادعای گیبسون جهت شان مابین پترا و مکه است، تمایل به سمت جنوب دارند. این مساجد در میانه قرن اول تا اواسط قرن دوم ساخته شده‌اند و نشان می‌دهد مسلمانان رفته‌رفته با دانش جهت‌یابی قبله آشنایی پیدا می‌کردند. قرینه این دلیل آن است که این قبله‌ها اکثراً به سمت جنوب می‌باشند.



تصویر شماره (۳): قبله‌های مابین مکه و پترا

۳-۷- شورش ابن زبیر در اوایل قرن دوم بر ضد حاکمان دمشق

گیسون بر این نظر است که در دوره شورش ابن زبیر در شهر مقدس جهت قبله از پترا به مکه تغییر کرد. عبدالله بن زبیر خود را خلیفه شهر مقدس اعلام کرد (۶۸۳ م) و با امویان دمشق وارد جنگ شد. وی با غلبه بر امویان، حجرالأسود را به مکه که محلی بایر بود، نقل مکان داد چرا که مکانی دور از دسترس و از حمله ایمن بود (Ibid, p296-297). این سخن گیسون نیز مورد خدشه است؛ زیرا سخن او، فقط بر خیال او مبتنی است و هیچ شاهد تاریخی ندارد. چگونه ممکن است، شهر مقدس و قبله نماز مسلمانان از یکجا به جای دیگر منتقل شود و آن در هیچ کتاب تاریخی و روایی انعکاس نیابد؟!

نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد، تمام ادله ادعای گیسون مبنی بر این که پترا قبله مسلمانان بوده و بر اثر منازعه میان ابن زبیر و حکومت دمشق از آنجا به مکه برگردانیده شد، مخدوش است، زیرا:

اولاً، مکه برخلاف باور گیسون، به جهت زیارتی بودنش اهمیت یافته؛ به همین رو، ام القری خوانده شده است؛

ثانیاً، مناسک حج، نظیر قربانی و طواف هرگز در پترا گزارش نشده؛ حال آن که آنها از گذشته تاکنون در مکه معمول بوده است؛

ثالثاً، زیارتی بودن مکه باعث شده بود، تجارت نیز در آن رونق پیدا کند و لذا نفی تجارت در آن بی‌وجه است؛ به خصوص آن که سران مکه تاجر بودند؛

رابعاً، توصیفاتى که در روایات راجع به جغرافیای محل زندگى پیامبر اسلام آمده، نظیر کوهستانی بودن و لم یزرع و کم آب بودن آن، با مکه انطباق دارد؛
خامساً، اولین قبله‌ای که قرار داده شد، قبله مسجد مدینه است و قبله آن به سمت مکه است و اگر احیاناً سمت قبله برخى از مسجدها به سوى پتراست، به جهت برخوردار نبودن مردمان گذشته از ابزارهای دقیق تعیین قبله بوده است؛ نه اینکه به عمد، پترا را قبله خود ساخته باشند.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم

- کتاب مقدس؛ ترجمه قدیم کتاب مقدس شامل کتب عهد عتیق و عهد جدید: رابرت بروس و همکاران، بی‌جا: بی‌نا، ۱۸۹۵ م.

۱. آلوسی، سید محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*؛ به کوشش علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتبه العلمیه، ۱۴۱۵ ق.

۲. ازرقی، محمد بن عبدالله؛ اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار؛ به کوشش رشدی صالح ملحس، بیروت: دار الأندلس، ۱۴۱۶ ق.

۳. اسماعیلی، مهران. «شبکه مفهومی "وادی" در گفتمان سده‌های نخست هجری». تاریخ و تمدن اسلامی، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۲ ش.

۴. بلخی، مقاتل بن سلیمان؛ *تفسیر مقاتل بن سلیمان*؛ بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ ق.

۵. ترمذی، محمد بن عیسی؛ *الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی*؛ به کوشش احمد محمد شاکر، مصر: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.

۶. خضری، سید احمد رضا و مائده بایرام؛ «واکاوی نقش رویکرد شکاکانه پاتریشیا کرون در شکل‌گیری دیدگاه‌های وی در کتاب تجارت مکه و ظهور اسلام»؛ تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.

۷. جواد علی؛ *المنصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*؛ ج ۲، بغداد: جامعه بغداد، ۱۴۱۳ ق.

۸. طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.

۹. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۱۰. طبری، ابو جعفر محمد جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۱۱. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۲. فکوهی، ناصر؛ *مبانی انسان‌شناسی*، ج ۵، تهران: نشر فی، ۱۳۹۱ ش.

۱۳. کریم‌پور، سعید و راد، علی؛ «فرضیه خاستگاه هاجری اسلام؛ تحلیل و نقد». فلسفه دین، دوره ۴، شماره ۴، ۱۳۹۶ ش.

۱۴. ناعل بن عدوان، احمد؛ *الأسرار المدینه الوردیه*، ج ۶، اردن: دارالعربی للطباعة و النشر، ۱۹۷۸ م.

۱۵. هیلن برند، روبرت؛ *معماری اسلامی*. ترجمه: باقر آیت‌الله زاده شیرازی، ج ۸، تهران: انتشارات روزنه، ۱۳۹۵ ش.

16. Almasri, E., & Alawneh, F. *PETRA-HOLY CITY FROM THE PERSPECTIVE OF ART, ARCHITECTURE, INSCRIPTIONS AND OTHER FEATURES*. Studies in Ancient Art & Civilization, 22, 2018.
17. Amine, A. L'islam de Pétra, Réponse à Dan Gibson II Ed. L'Islam De Pétra, Réponse à La Thèse De Dan Gibson Présentation 2e Edition, 1, 280, 2019.
18. Ass'ad Sulaiman Abdo and John Bagot Glubb, Mecca, Encyclopædia Britannica, Encyclopædia Britannica, inc., 2018.
19. Bellwald, U. (2008). The Hydraulic Infrastructure of Petra—A Model for Water Strategies in Arid Land. *Cura Aquarum in Jordanien*, 12, 47, 2008.
20. Crone, P. How did the quranic pagans make a living?. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 68(3), 387-399, 2005.
21. Crone, P. Quraysh and the Roman army: Making sense of the Meccan leather trade. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 70(1), 63-88, 2007.
22. Crone, P. *Meccan Trade and the Rise of Islam*, Princeton, Princeton University Press, 1987.
23. G.S.P. Freeman-Grenville And Stuart Cheristopher Munro-Hay, *Historical Atlas of Islam*, The Continuum International Publishing Group Inc, New York & London, 2006.
24. Gibson, Dan. *Quranic Geography*. 2011, Independent scholar press, Canada.
25. King, D. A. Dan Gibson, Early Islamic Qiblas: A Survey of mosques built between 1AH/622 CE and 263 AH/876 CE (with maps, charts and photographs), 296 pp., Vancouver BC: Independent Scholars Press, 2017. *Suhayl. International Journal for the History of the Exact and Natural Sciences in Islamic Civilisation*, 347-366, 2018.
26. Martha Sharp Joukowsky, *Near Eastern Archaeology*, 65:4, 235-248, 2002.
27. McAuliffe, Jane Dammen. *Encyclopedia of Quran*, Brill, Leiden, 2001.
28. Michelle L. Berenfeld, J. Andrew Dufton & Felipe Rojas (2016) Green Petra: archaeological explorations in the city's northern wadis, *Levant*, 48:1, 79-107, 2016.
29. Monferrer-Sala, J. P. On the Nabataean-Aramaic 'lyt'. *Astarté. Estudios del Oriente Próximo y el Mediterráneo*, 1, 95-101, 2018.
30. Rothman, N. C. Jane Taylor, Petra and the Lost City of the Nabataeans. *Comparative Civilizations Review*, 74(74), 14, 2016.
31. Rubin, U. The "Ilaf" of Quraish. *Arabica*, 31, 165, 1984.
32. Sinai, N. When did the consonantal skeleton of the Quran reach closure? Part I. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 77(2), 273-292, 2014.
33. Watt, W. M., & Muḥammad (Prophet). *Muhammad at Mecca* (p. 1). Oxford: Clarendon Press, 1953.

سایت‌ها:

34. <http://www.whatstheweatherlike.org/jordan/petra.htm>
35. <https://b2n.ir/897641>

36. <https://b2n.ir/830429>

37. <https://b2n.ir/045290>